

آزمایشگاه

محمد فولادی

۲۸- تنازع بقا و انتخاب اصلح

بسیاری از علمای طبیعی معتقدند که همواره موجودات عالم طبیعت تحت قانون «تنازع بقا» و «انتخاب اصلح» درجات کمال را می‌پیمایند. زیرا هر موجودی دارای قوا و نیروهایی است که برای حفظ آن‌ها دائماً با موجودات دیگر در نزاع و جدال است. در این نزاع و منازعه دائمی، که میان افراد و حیوانات و نباتات آشکار است، آن نوع فاتح می‌شود که قوی‌تر باشد. بدین ترتیب، افراد و انواع ضعیف‌تر در این تنازع از میان رفته و افراد قوی‌تر پیروز شده و انتخاب اصلح به عمل می‌آید و در نتیجه، انواع تدریجاً رو به کمال سیر می‌کنند.

این دسته از دانشمندان این دو قاعده را از محیط موجودات عالم طبیعت به اجتماع انسانی گشانده و معتقدند که اساس اجتماعات بشری و تکامل آن‌ها نیز بر دو قانون تنازع بقا و انتخاب اصلح بنا شده است و جوامع انسانی همیشه برای حفظ موجودیت خود در حال تنازع و کشمکش دائم به سر می‌برند. و از میان آن‌ها جامعه‌هایی که قوی‌تر هستند، باقی مانده و جامعه‌های ضعیف‌تر راه، فنا و نیستی می‌پیمایند.

نقد

این دو قانون موارد نقض بسیاری دارد.

۱. در عالم طبیعت انواع بسیاری از حیوانات و نباتات وجود دارند که با وجود انواع قوی‌تر، موجودیت خود را حفظ کرده‌اند. زیرا انواع بسیاری از گیاهان و حیوانات وحشی راه انسان به وسیله تربیت به نوع‌های عالی‌تری تبدیل کرده است.

۲. این اصل از نظر جنبه‌های اخلاقی و روابط اجتماعی موجب مفاسد زیادی می‌شود و پیامدهای سوئی را به دنبال دارد. زیرا اصل تنازع بقا، وجود جنگ‌ها و کشمکش‌های دائمی را امری طبیعی و غیرقابل اجتناب و مجاز قلمداد می‌کنند و انتخاب اصلح، حق حیات را از طبقات ضعیف اجتماع سلب کرده و اقویا را در تجاوزات حقوقی محق می‌شمارد.

۳. از منظر تفکر دینی و منطق قرآن، حق همیشه پایدار و جاودانه و باطل از میان می‌رود و دوام و بقایی ندارد. اعم از این‌که تنازعی در میان این دو به وقوع بپیوندد یا نه. همواره حق و باطل در

نزاع و اختلاف و مبارزه هستند. و حق سرانجام در این منازعه پیروز است. اما این پیشرفت نه به دلیل این است که پیروان حق از نظر قوای طبیعی نیرومندتر و مجهزترند - آن‌گونه که اصل تنازع بقا و انتخاب اصلح اقتضا کند، بلکه از جهت تأیید و نصرت الهی است، دقیقاً بر عکس، براساس منطق قرآن^(۱) کسانی که ضعیف و ناتوان شمرده شده‌اند ولی طرفدار حق و حقیقت هستند، سرانجام بر اهل باطل پیروز خواهند شد.^(۲)

۲۹- ناسیونالیسم

ناسیونالیسم یا ملی‌گرایی به اصالت دادن به تعلقات قومی و ملی تعریف شده است. انسان به جهت پاره‌ای از تعلقات از قبیل سرزمین، زندگی مشترک، خون و نژاد و مانند آن، خود را از دیگران جدا شمرده و به قوم خاصی احساس تعلق می‌کند و توجه خود را به تأمین منافع ملی، حتی اگر مستلزم زیان دیگران هم باشد، معطوف می‌گرداند. این مسأله از علاقمندی شروع می‌شود و آن‌گاه به افراط در نژادپرستی می‌رسد.

۳۰- انترناسیونالیسم

انترناسیونالیسم در نقطه مقابل ملی‌گرایی، برای انسان‌ها ملیت خاصی وسیع‌تر و بالاتر از آنچه در ملی‌گرایی مطرح است در نظر می‌گیرد، به طوری که خود را در چارچوب معیارهای تنگ‌نظرانه ملی‌گرایی که ارزشی بالاتر از منافع ملی و قومی نمی‌شناسد گرفتار نمی‌کند. انترناسیونالیسم برخلاف ملی‌گرایی، گرایش به مصالح فوق ملی با معیارهایی برتر دارد. به طور کلی، همه آن‌ها در توجه و گرایش به مصالح جهانی و فوق ملی و بین‌المللی مشترک هستند.

۳۱- انترناسیونالیسم ولایی

این لفظ به جهان وطنی یا جهان ولایی ترجمه شده است و مرکب از دو کلمه «کاسموس» به معنی جهان و «پولیتیک» به معنای سیاست و حکومت است. بنابراین، ترجمه صحیح آن جهان ولایی است، نه جهان وطنی. جهان ولایی، معتقد است که هیچ دولتی و ملتی نباید به مصالح و منافع خود



امروز
دارد



توجه کند، بلکه باید همواره به جهان و بشریت فکر کند. چرا که جهان باید تحت یک سیاست و یک حکومت اداره شود. معنای این سخن همان نظم نوین جهانی و پس از آن، جهانی شدن است که ایده‌ای امریکایی برای استیلای قدرت استعماری بر جهان می‌باشد.

۳۲. کاسموپولیتیسیم

(Cosmopolotism)

کاسموپولیتیسیم، یا جهان وطنی یعنی از میان برداشتن هرگونه معیار و مقیاسی برای اتحاد بشریت و جایگزین کردن نوعی لاقیدی نسبت به همه معیارها و موازینی که در تکوین ملیت و همبستگی میان انسان‌ها ممکن است وجود داشته باشد. بنابراین، برخلاف انترناسیونالیسم، که معیار برتری از ملی‌گرایی تنگ‌نظرانه برای همبستگی انسان‌ها ارائه می‌کند، و با تعلقات ملی تا جایی که منتهی به ملی‌گرایی منفی و خودگرایی و قوم‌گرایی شود مخالف است^(۳)، این نوع تفکر از آن صهیونیست‌هاست، که به برتری مطلق یهودیان در جهان معتقدند و می‌گویند: «اگر به تاریخ گذشته نگاه کنیم درمی‌یابیم که ما نخستین قومی بودیم که ندای آزادی، برابری و برادری سر دادیم»^(۴) در قسمتی دیگر از پروتکل صهیونیسم پیرامون جهان وطنی چنین آمده است: «پیامبران گفته‌اند ما قومی هستیم که به وسیله خدا برگزیده شده‌ایم تا فرمانروای مردم سراسر جهان باشیم. خداوند به قوم ما هوش و ذکاوت سرشار عطا کرده است. لذا کاسموپولیتیسیم، مولود تراوشات فکری صهیونیسم و نژادپرستان صهیونیست جهان می‌باشد.

تفاوت کاسموپولیتیسیم و انترناسیونالیسم

کاسموپولیتیسیم، به یکی شدن دولت‌ها و حکومت‌ها و وحدت بین دولت‌ها معتقد است و انترناسیونالیسم، به وحدت بین الملل اعتقاد دارد. بنابراین، هرچند این دو واژه ممکن است در تعریف متفاوت باشند، اما در عمل یکی هستند. زیرا، ملت‌ها باید از طریق دولت‌ها مذاکره نمایند و وحدت ملل، از طریق وحدت دول انجام‌پذیر است. این تر در فرهنگ فراماسونری مطرح است که برای اداره جهان، دولتی مترقی و لایق باید بتواند کل جهان را زیر سلطه خود بکشد. همین تر بود که

پس از قروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، امریکا را یک‌ه تاز صحنه بین‌المللی کرد و زمینه طرح نظریه نظم نوین جهانی یا دهکده جهانی امریکا را فراهم آورد.

اسلام و ملی‌گرایی

ملی‌گرایی و به تعبیر عربی «الوطنیه» یعنی میهن‌دوستی و یا حب‌الوطن یا دوستی فامیل و خویشان و خانواده، نه تنها در اسلام مذموم نیست، بلکه مورد سفارش نیز واقع شده است. اما ملی‌گرایی، گاه به معنی «القومیه» یعنی گرایش شدید به نژادپرستی است. در این مورد، دانشمندان علوم اجتماعی معتقدند که وطن‌دوستی با وطن‌پرستی متفاوت است. وطن‌پرستی بیراهه است، ولی وطن‌دوستی محرک و زمینه‌ساز و مشوق توسعه یافتگی است.

یکی از اندیشمندان مسلمان پیرامون مسائل اسلام و ملیت می‌گوید: «اسلام نه تنها ملت‌های کنونی را نفی نمی‌کند، بلکه آنان را مورد شناسایی قرار می‌دهد و بر همین اساس نیز نظریه خود را بنا می‌نهد. تحقق این نظریه با یک شیوه علمی صحیح مبتنی بر دو رکن است: توجه به اندیشه دیگران و گزینش صحیح: «همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا، باتقواترین شماست.» (حجرات: ۱۳) اما معیاری که در اسلام اساس ارزش‌ها را تشکیل می‌دهد تقواست و در واقع، تقوا ملاک دوستی، دشمنی، انکار، برابری، تفاوت و بسیاری از شئون زندگی اجتماعی است. اساس ارزش‌ها در اسلام، تقوا و پایداری نسبت به اوامر و نواهی الهی است. تقوا میزانی است که به وسیله آن افراد و اجتماعات و ملیت‌ها را می‌توان ارزیابی کرد. حرکت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و به طور کلی همه تلاش‌های انسانی باید بر پایه تقوا هدایت شود. هرکاری که براساس تقوا انجام نگیرد، در واقع، بر پایه‌هایی از آتش قرار گرفته که هر آن امکان فروریختن آن وجود دارد»^(۵)

۱. سوره حج آیه ۴

۲. بررسی‌های اسلامی، علامه طباطبایی، به کوشش سیدهادی خسروشاهی، مرکز انتشارات دارالتبلیغ، ص ۲۲ به بعد.

۳. آشنایی با مکاتب و اصطلاحات، ص ۱۳۴

۴. پروتکل‌های صهیونیسم، پروتکل ۱، ماده ۲۵ و پروتکل ۵، ماده ۶

۵. مهدی آصفی، مجله معرفت، ش ۳۴، ص ۷۸